

خاتمی و مفهوم امتناع از ریسک انتخاب زن درکابینه

تقی روزبه

تشکیل کابینه دوم خاتمی از جهات مختلفی مورد بررسی و نقد حتی خود اصلاح طلبان قرار گرفته است. یکی از این وجوه، ترکیب شدت مردسالارانه آنست، حتی فراتر از انتظار زنان اصلاح طلب مدافع دولت. از این جهت تفاوتی بین این کابینه مدعی اصلاح طلبی با کابینه های جناح محافظه کار، نمی توان یافت. اکنون این باور که گفتمان و نیز عملکرد اصلاح طلبان درمورد زنان تفاوتی با گفتمان و عملکرد شدت ضدزن جناح تمامیت خواه ندارد، ابعاد گسترده ای یافته تر است. حالا روشن شده است که آنچه که بنام تأمین بیشتر مشارکت زنان در اداره امور توسط خاتمی و اصلاح طلبان پیش از انتخابات و در طی این سالیان گفته میشد، تعارفی بیش نبوده و صرفاً مصرف انتخاباتی داشته است. گرچه ترکیب کابینه دوم و نیز رای چکی درخواست شده توسط جبهه مشارکت، به کابینه دوم فی نفسه آب پاکی بر امیدهای آن دسته از اصلاح طلبان و بویژه زنان اصلاح طلب و حامی دولت مدعی اصلاحات ریخت، اما پاسخ خاتمی در آخرین مصاحبه اش درمورد علت عدم گزینش زنان برای کابینه مسئولیت های سطوح بالا، مبنی بر اینکه نخواست به انتخاب زنان ریسک کرده باشد، حتی صدای اعتراض و گله زنان نماینده اردوی اصلاح طلبان را نیز درآورده است. بطوریکه جمیله کدیور یکی از نرم ترین زنان نماینده مجلس، ابراز داشته است که شیندن این واژه (ریسک بودن انتخاب زن بعنوان یک وزیر) برای ما نگران کننده است.

در اینجا میتوان پرسید ریسکی که خاتمی از آن سخن گفته است، چه میتواند باشد؟

بنظر میرسد مفهوم این ریسک محدود به عدم کسب رأی مجلس نباشد. چرا که اصلاح طلبان با توجه به برتری عددی چشمگیر نمایندگان خود میتوانند، علیرغم بایکوت قطعی جناح دیگر، رای لازم را برای چنین کاندیدی فراهم سازند. بنابراین مفهوم کنگ و کلی این ریسک را باید در سطح وسیع تری، یعنی در سطح سیاست تشکیل کابینه ائتلافی و سیاست وفاق و تنش زدائی دانست که خاتمی اولویت اول ترکیب کابینه را بآن داده بود. اولییتی که تحقق آن مستلزم قربانی کردن حضور زنان اصلاح طلب درکابینه آنها در نازلترین فرمالیته ترین شکل آن بود. بنابراین خاتمی برای آنکه خشم جناح تمامیت خواهان و روحانیت حامی آنها را برنیانگیزد خود پیشاپیش به حذف عنصر زنان یعنی عنصر ریسک مبادرت کرده است. اما این تنها یک روی سکه واقعیت است. روی دیگر این سکه که خاتمی با عنوان ریسک و عامل بیرونی در صدد پنهان نگهداشتن آنست به ماهیت ضدزن اردوی اصلاح طلبان مربوط میشود. معنای ضمنی طرح ریسک آنست که گویا شخص خاتمی صرفاً تحت فشار عوامل بیرون از اراده خود و برای حذف این فشار ناچار به پذیرش این ریسک شده است. اما واقعیت آنست که دامنه شمول ریسک به خود اردوی اصلاح طلبان و ماهیت محافظه کارانه آنان درمورد زنان نیز بر میگردد بنحوی که حتی گزینش یک زن درکابینه میتواند موجب آشفتگی صفوف آن گردد. باتوجه باین دور روی سکه است که میتوان گفت برخورد اصلاح طلبان و خاتمی با مساله زنان سه واقعیت و سه چالش بزرگ را بروی صحنه سیاست کشانده است:

نخست آنکه زنان اولین قربانیان سیاست وفاق و سازش اصلاح طلبان و تمامین خواهان می باشند. بنابراین در شرایط کنونی حتی دفاع حتی حداقل از حقوق زن، درگرو مبارزه هرچه قاطعتر علیه هرگونه نرمش در برابر تاریک اندیشی است.

دوم آنکه دفاع اردوی اصلاح طلبان از حقوق زنان و وعده وعیدهایشان، دروغ و تعارفی بیش نبوده است.

سوم آنکه زنان نماینده و نیز زنان اصلاح طلبی که دم از حقوق زنان میزنند، و باین ترتیب تلاش میکنند که جنبش رویگترش زنان را تحت تأثیر و کنترل خویش قرار دهند، با رای خویش به کابینه و با حمایت از سیاست باصطلاح وفاق و تنش زدائی، درجه پایبندی خویش را به دفاع از حقوق زنان را به نمایش گذاشته اند.